نگاه

جنگ حیوانات

محمدرضا دژکام
روان‌شناس و روان‌درمانگر و مشاور خانواده و ازدواج

حیوانات بی‌کناه را به جان هم می‌اندازند و در این مسابقه خشن پول به دست می‌آورند یا از دست می‌دهند! ولی نه برای حیوانات، نه برای دردکشیدن آنها. نه برای اینکه بدن آنها خونین می‌شود یا جانشان را از دست می‌دهند، بلکه برای پولی که از دستشان رفته است می‌بینند خشونت را، وحشی‌شدن را، خون را می‌بینند و جدا نمی‌کنند. می‌بینند و جدا نمی‌کنند و لذت می‌برند! می‌بینند و شاید در آینده خودشان هم تکرار کنند. خشونت می‌بینند و خشونت می‌کنند برخی از این نامردمان زوال‌پریست!

جنگ حیوانات آیا فقط در ایران است یا در کشورهای دیگر هم دیده می‌شود؟!

این نمایش‌ها و مسابقات نه‌تنها در کشور ما، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر هم دیده می‌شود. ازجمله کشورهای دیگری که جنگ حیوانات در آنها به وفور یافت می‌شود، افغانستان و پاکستان است. برخی از افراد معتقدند که این نوع سرگرمی‌های خشونت‌آمیز مخصوص کشورهای توسعه‌نیافته است. ولی این تفکر و اندیشه اشتباه است. چندی پیش خبری منتشر شد درخصوص انهدام باند سازمان‌یافته شرط‌بندی روی سگ‌ها در آمریکا؟ در این خبر پلیس آمریکا از انهدام باند سازمان‌یافته شرط‌بندی روی سگ‌ها و نجات ۳۶۰ سگ خبر داده بود.

پیامدهای منفی دیدن صحنه‌های خشونت‌بار خیابانی در یک نگاه

دیدن صحنه‌های خشونت‌بار خیابانی و ایستادن و نگاه‌کردن به آن فقط و تنها مربوط به مسابقه حیوانات نیست و در خیابان‌ها نیز شاهد تماشاچی‌بودن برخی از عابران در برابر نزاع‌های خیابانی هستیم. برخی نیز با فراتر گذاشته و به جای پایان‌دادن به دعواها، اقدام به عکس‌گرفتن و تصویربرداری از صحنه درگیری برای فضای مجازی می‌کنند. بسیاری از کسانی که به دیدن این مسابقات می‌روند، نه‌تنها از دیدن مناظر پر از خشونت ناراحت نمی‌شوند، بلکه ابراز علاقه و هیجان هم کرده و حتی دوستان خود را هم به دیدن این مسابقات دعوت می‌کنند.

افرادی که اقدام به پرورش حیوانات برای مسابقه و جنگ می‌کنند، از نظر روان‌شناسی در چه وضعیتی هستند؟

این افراد به‌طور معمول از یک شخصیت بیمارگونه برخوردارند. البته این موضوع در مورد همه این افراد صادق نیست. افرادی که حیوانات را به جان هم می‌اندازند و سر برد و باخت آنها بحث می‌کنند و از دیدن این مسابقات لذت می‌برند، از دو دیدگاه متفاوت به این مقوله نگاه می‌کنند: ۱- از بعد مادی و ۲- از بعد روان‌شناختی. افرادی که از بعد مادی به مقوله نگاه می‌کنند، فقط به فکر سود و زیان خود هستند. در این مورد، لذت‌بردن از خشونت و گرایش به خشونت مطرح نیست، بلکه این افراد فقط به دلیل منافع اقتصادی این موضوع می‌اندیشند. اما در مورد بعد روان‌شناختی، وضعیت متفاوت‌تر از حالت اول است. این قبیل افراد در دیدن جنگیدن حیوانات و خشونت حالت از این موضوع لذت می‌برند. البته در مورد این افراد هم نمی‌توان به سادگی قضاوت کرد؛ زیرا هیچ انسان عادی به خودی خود از دیدن خشونت لذت نمی‌برد. شاید طبیعی‌بودن گرایش‌های این افراد، ریشه در کودکی آنها دارد یا شاید هم زمینه اختلال رفتاری و روانی داشته باشند. در کلی‌ترین وضعیت هم نمی‌توان به راحتی در مورد بعد روان‌شناختی و روحیات افراد قضاوت کرد؛ زیرا هیچ انسانی از ابتدا خشونت‌طلب و ناآرام نبوده و افرادی که به این نوع اختلال‌های روانی دچار می‌شوند نیز باید ابعاد مختلف زندگی‌شان (مانند بعد تربیتی یا خانواده یا جمع دوستان و...) بررسی شود تا ریشه مشکلاتشان به درستی پیدا شود.

چرا دیدن صحنه‌های خشونت‌بار خیابانی برای برخی افراد عادی شده است؟!

ممکن است از کودکی به این مقوله عادت کرده باشند و حتی مردن و جان‌دادن یک موجود زنده برایشان بسیار هم طبیعی جلوه کند. ممکن است آنها از دیدن این صحنه‌های خشونت‌بار حتی بترسند و ناراحت شوند، ولی برای خودنمایی و شجاع نشان‌دادن خود در جمع دوستان، بگویند که از دیدن این صحنه‌های خشونت‌بار لذت می‌برند و با هیجان حاضر دیگران را هم به دیدن این صحنه‌ها دعوت کنند. برای مثال، در جنگ حیوانات می‌توان گفت برخی افراد از به هیجان آوردن دیگران لـذت می‌برند و وقتی می‌بینند دیگران با دیدن این صحنه‌ها به هیجان می‌آیند، اقدام به ایجـاد این کار می‌کنند. همان‌طور که گفتم، این موضوع می‌تواند ریشه در گذشته افراد داشته باشد. هر فردی می‌تواند یک صحنه خاص از نمایش خشونت و گرایش به آن داشته باشد. شاید هم فقط برای پرکردن اوقات فراغت باشد. در هر صورت هدف هرچه باشد، چه سرگرمی، چه لذت و چه خودنمایی، هیچ‌کدام نمی‌تواند دلایل قانع‌کننده‌ای برای این رفتار افراد باشد؛ زیرا این کار غیرمنطقی و غیراسلامی است.

دیدن این صحنه‌ها، چه عوارض و پیامدهای منفی و ناگواری برای افراد می‌تواند به همراه داشته باشد؟

یقین بدانید دیدن این صحنه‌ها در ضمیر ناخودآگاه افراد اثرات منفی فراوانی دارد. فرد در آن لحظه شاید احساس رضایت کند، ولی بعد از مدتی از آن دچار مشکل و ناراحتی‌هایی می‌شود و کم‌کم با رفتارهای عصبی‌کوبه‌ای که از خود بروز می‌دهد، می‌تواند تأثیر خشونت را در ضمیر ناخودآگاه وی به روشنی دید. برخی از این افراد برای سرگرمی کودکانشان را نیز با خود به مکان‌های این‌چنینی می‌برند که این موضوع خود باعث پیدایش اختلال‌های روانی در رفتار کودکانشان می‌شود که متأسفانه از آن کاملا بی‌خبرند و این سی جای نگرانی و تأسف دارد.

درکل چه چیزی باعث می‌شود انسان امروزی به طرف تفریحات خشونت‌بار خیابانی برود و از آن لذت ببرد؟

انسان از خشونت لذت نمی‌برد. شاید یک لذت مقطعی و گذرا باشد. ولی در کل دیدن صحنه‌های خشونت‌بار برای هیچ انسانی جذاب نیست. پس یک انسان سالم با دلیل به سمت این رفتارهای خشونت‌بار نمی‌رود. در جوامعی که تفریحات کم است، انسان‌های ناآگاه به سمت این قبیل تفریحات ناسالم می‌روند. تا زمانی که برای یک فرد، تفریح و سرگرمی سالم و معقولی وجود نداشته باشد که از آن لذت ببرد، ناخودآگاه به سمت تفریحاتی می‌رود که با آنها سرگرم شود. چون آن فرد هم به خوبی می‌داند که این‌گونه تفریح و سرگرمی‌ها، درست نیست، ولی خودش را کول می‌زند که سرگرمی است و لذت می‌برد.

توصیه پایانی روان‌شناس

باید شرایط جامعه به صورتی باشد که برای افراد در شرایط و سنین مختلف، تفریحاتی مناسب خودشان ایجاد شود. در این صورت اگر فردی بار هم به سمت این قبیل تفریحات ناسالم رفت، در آن زمان می‌توان گفت یک فرد عادی نیست و باید تحت درمان قرار بگیرد. به امید روزهای خوب و خوش برای مردم عزیز ایران‌زمین.

از لایحه تأمین خشونت علیه زنان چه خبر؟

ضرورت درک مطالبات زنان در ایران هنوز جدی نیست

شهرزاد همتی

در دوره دولت محمود احمدی‌نژاد، ریاست‌جمهوری لایحه‌ای برای حمایت از زنان در برابر خشونت تهیه کرد، اما هرگز آن را منتشر و به مجلس ارسال نکرد. در سال ۱۳۹۲ پس از انتخاب رئیس‌جمهور روحانی، شهیندخت مولاوردی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، ماننـد معصومه ابتکار، جانشـین وی در سال ۱۳۹۶ تکمیل این لایحه را بر عهده گرفت. در ۲۶ شهریور ۱۳۹۸ قوه قضائیه اعلام کرد بررسی خود را تکمیل کرده و پیش‌نویس ارائه‌شده به کابینه ریاست‌جمهوری را برای تصویب منتشر کرده است. لایحه هرچند به مجلس فرسـتاده شـده اما خبری از تصویب آن نیست. در چند سال گذشته، دولت ایران اقدامات کوچک‌تری را برای حمایت محدود از قربانیان خشـونت خانگی انجام داده اسـت، ازجمله ایجاد خط تلفن فوری اجتماعی در سازمان بهزیستی کشور و تعداد محدودی خانه امن تحت حمایت دولت. تا سـال ۱۳۹۸ حدود ۲۴ خانه امن در سراسر کشور وجود داشـت که دارای مکان‌هایی برای هزارو۵۰۰ زن برای اقامت تا یک سال بود. سال‌هاست که زنان ایرانی منتظر قانون جامع برای جلوگیری از خشونت علیه زنان و محاکمه سو۱استفاده‌کنندگان بوده‌اند. با توجه فزاینده مردم به این موضوع مهم، باز هم تصویب این قانون بسیار طول کشید. حرف و حدیث‌ها درباره لایحه منع خشونت علیه زنان تمامی ندارد؛ مخالفان آن می‌گویند ناقص اسـت یا جرم‌انگاری زیادی دارد. موافقان آن اما می‌گویند باید هرچه سریع‌تر تصویب شود. لایحه منع خشونت علیه زنان با همان لایحه تأمین امنیت زنان علیه خشـونت در دولت محمود احمدی‌نژاد در دسـتور کار قرار گرفت، اما در دولت اول حسن روحانی تغییر کرد.

این لایحه به منظور جلوگیری از بی‌عدالتی در روابط خانوادگی و رفع ظلم و تعدی نسـبت به زنان در عرصه خانواده و نیز پیش‌بینی راهکارها و ضمانت‌های قانونی و جلوگیری از افراط و تفریط در این زمینه تدوین شد. در یک مطالعه ملی در سال ۲۰۰۴، ۶۶ درصد از زنان متأهل مورد نظر حداقل یک بار در زندگی خود خشـونت خانگی را تجربه کرده‌اند و از این تعداد ۳۰ درصد خشونت فیزیکی و ۱۰ درصد خشونت فیزیکی همراه با آسیب‌های پایدار را تجربه کرده‌اند.

زنان ایرانی و خشونت

در پرونده‌ای که در سال ۲۰۲۰ توجه ملی را به خود جلب کرد، در ۲۱ می، رومینا اشـرفی ۱۴سـاله به ادعای پدرش به طرز وحشتناکی سـر بریده شـد. بلافاصله پس از آن، مقامات ایرانی به تسـریع در تصویب لایحـه ۵۱ ماده‌ای «حمایت از کـودکان و نوجوانان» تأکید کردند. همزمان چند نفر از مقامات ایران، از لحظه نمایندگی مجلس، از کابینه خواسـتند تا تصویب لایحه قانون حمایـت از زنان در برابر خشـونت را سرعت ببخشـد. مسیر دراز این لایحه شـاید اگر رومینا اشرفی کودک شمالی کشور به دست پدرش با داس کشته نمی‌شد، از این هم طولانی‌تر می‌شد و دولت‌هایی که در تمام این سال‌ها نشان داده بودند اولویتشان زنان نیستند، به فکر بررسی آن نمی‌افتادند. پس از قتل دختر ۱۲ساله تالشی بود که معصومه ابتکار، معاون امور زنان و خانواده وقت رئیس‌جمهور، در توییتر خود خبر داد: امروز در هیئت دولت درباره جنایت قتل رومینا صحبت و درخواسـت کردم تسریع و اولویت برای نوبت لایحه تأمین امنیت زنان انجام شـود. در پاسخ به درخواسـت ایجا عنیدی، معاونت حقوقی رئیس‌جمهور نیز اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، نسـبت به تسریع خارج از نوبت لایحه در کمیسـیون و اجرا کردنـد. آمده‌ایم تا این لایحه در هفته آینده در کمیسیون لوایح مطرح شود.

این لایحه که امروز در مجلس با قید یک‌فوریت دو سـال اسـت که معطل مانده، تعدادی مفاد مثبت دارد، ازجمله تشـکیل کمیته ملی بـین وزارتی بـرای سـیاست‌گزاری و هماهنگ‌کردن واکنش‌های دولت به خشـونت علیه زنان. همچنین وزارتخانه‌ها و سـازمان‌های دولتی را موظف می‌کند تا اقداماتی را برای کمک به پیشـگیری از خشـونت و کمک به زنان، ازجمله تشکیل واحدهای پلیس ویژه برای این موارد، انجام دهند. همچنین دسـتورات بازدارنده و صندوقی برای حمایت از زنان ایجاد خواهد کرد.

درباره لایحه کرامت ازپیش‌نویس تا امروز

هرچنـد لایحه کرامت زنان از اسـتانداردهای بین‌المللی فاصله دارد اما در نظر بسیاری از فعالان حوزه زنان بسیار مهم و قدم مثبتی اسـت. در حالی که پیش‌نویس قانون خشونت علیه زنان را به‌طور کلی تعریف و اشکال خشونت خانگی را جرم‌انگاری می‌کند، برخی از اشکال خشونت مبنی بر جنسیت مانند تجاوز به زناشویی و ازدواج کودکان را جرم‌انگاری نمی‌کند. همچنین تعریف محدود و مشکل‌ساز قانون جنایی ازتجاوز جنسی را که به صراحت تجاوز جنسی را مسـتثنا می‌کند. اصلاح نمی‌کند. علاوه بر این، مجازات اجبـاری تجاوز جنسـی، مجازات اعدام اسـت که می‌تواند زنان را از گزارش تجاوز بازدارد.

پیش‌نویس قانون همچنین خشونت خانگی را تعریف نکرده بود و در لایحه نهایی نیز برخی از جرم‌انگاری‌ها به قانون بیان می‌شـود، حتی برخی از اشکال خشونت علیه زنان، ازجمله ازدواج کودکان و غیراز جنسی و سـایر آزادی‌های محافظت‌شده را نقض می‌کند؛ مانند پیشـنهاد «رابطه نامشروع» و تشـویق یا ترغیب زن به ارتکاب اعمـال خلاف «عفت». در حالی که بر اسـاس قوانین ایران، تعریف حقوقی روشـنی از اعمـال منافی عفت وجود نـدارد. قضات آن را به‌گونه‌ای تفسـیر کرده‌اند که شـامل و در نتیجه جرم‌انگاری، روابط جنسی توافقی و غیرا ز آمیزش جنسی و روابط همجنس‌گراست.

این لایحه شامل چندین ماده مثبت برای تقویت تعقیب، ازجمله الزام ماموران مجری و مقامات قضائی برای تسـریع در رسیدگی به شکایات است. دو وکیل مصاحبه‌شده که وکالت زنان در پرونده‌های خشـونت خانگی را بر عهده داشته‌اند، می‌گویند این مهم است. زیرا مجریان قانون و دادسـتان‌ها اغلب به اشـتباه این موارد را به عنوان «اختلافات خانوادگی» و نه جرم تلقی می‌کنند.

ترویج آشتی منعکس‌کننده این فرض است که هر دو طرف دارای قدرت چانه‌زنی برابر هستند و ممکن است به یک اندازه مقصر باشند و مسئولیت مجرم را کاهش می‌دهد.

دوره میانجیگری همچنین می‌تواند موانع بیشتری را برای قربانیان خشـونت خانگی ایجاد کند تا از طریق حکم حمایت، از حمایت فوری برخوردار شـوند. چنین دسـتوراتی ارائه خواهد شـد. البته فقط در صورتی که قربانی شکایت جنایی کند و تهدید جدی به ضرب و شتم یا آسیب بیشتر وجود داشته باشد.

این لایحه قانون همچنین به تعدادی از قوانین تبعیض‌آمیز از جمله قوانین وضعیت شـخصی که به گفته وکلا، زنان را در برابر خشـونت خانگی آسیب‌پذیرتر می‌کند، نمی‌پردازد. به عنوان مثال، قانون مدنی ایران به شوهر اجازه می‌دهد تا حرکات زن را کنترل کند. ازجمله اینکه زن کجا زندگی می‌کند و اگر او آنها را مغایر با «ارزش‌های خانوادگی» بداند، ممکن است به دنبال حق مشاغلی باشد.

تعریف و دامنه خشونت خانگی

ایران یکی از چهار کشـوری اسـت که کنوانسـیون سازمان ملل متحد درمورد رفع همه اشـکال تبعیض علیـه زنان (CEDAW) را تصویب نکرده است. با وجود تلاش‌های مدافعان حقوق زنان ایرانی در دوران ریاست‌جمهوری محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) و لایحه‌ای که در سـال ۲۰۰۳ توسـط مجلس برای پیوسـتن به CEDAW به تصویب رسـید، شورای نگهبان ایران به هیئتی متشکل از کارشناسان و حقوق‌دانان که دارای اختیارات نظارت بر قوانین مجلس هسـتند، این کار را انجام نداد. این لایحه را تصویب کرد و از آن زمان تاکنون در بن‌بسـت قانونی قرار دارد.

پیش‌نویس اولیه قانون تعریف گسترده‌ای از خشونت علیه زنان به شـرح زیر ارائه می‌کرد که در لایحه امروزی از آن حـرف زنـی‌ست. در ایـن پیش‌نویس آمده بود: هرگونه عمـل عمدی علیه زن که به دلیل جنسیت، موقعیت آسیب‌پذیر یا ماهیت رابطه انجام شود و به جسم، روان، شخصیت، شـهرت یا حقوق و آزادی مشروع او لطمه یا آسـیب وارد کند. کسی که قانون رسـیدگی می‌کند، از عناوین جرایم علیه تمامیت جسـمانی، جرائم علیه رفاه اخلاقی و معنوی، جرائم علیه اخلاق عمومی، جرائم علیه حقوق و وظایف خانوادگی و جرایم علیه آزادی‌های مشـروع زنان، مطابق این قانون. بر اساس کتاب راهنمای سازمان ملل متحد، قانون خشونت خانگی باید شامل تعریفی جامع از خشـونت خانگی شامل خشونت فیزیکی، جنسی، روانی و اقتصادی باشد. قانون همچنین باید این تعریف را برای افرادی که در یک رابطه صمیمی هستند یا بوده‌اند، ازجمله روابط زناشویی، غیرزناشویی، همجنس و غیرهمجنس اعمال کند. برای افراد دارای روابط خانوادگی یا بکدیگر و اعضای یـک خانواده این لایحه قانون اشـکال مختلف خشـونت علیه زنان ازجمله ازدواج اجباری، آزار و اذیت جنسی در زنان را جرم‌انگاری می‌کند.

این لایحه ازدواج کودکان را جرم‌انگاری یا لغو نمی‌کند. مطابق تبصره ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، دختران ۱۳ سـاله با اجازه پدر و بسـران ۱۵ ساله می‌توانند ازدواج کنند. درصورتی‌که قاضی اجازه ازدواج را بدهد، فرزندان نیز می‌توانند در سـنین پایین‌تر ازدواج کنند. این قانون همچنین تعریف محدود و مشکل‌ساز تجـاوز به عنف تحت قانون جـرایم را که به عنوان آمیزش جنسی اجباری با زنی اسـت که مرد با ازدواج تزویج، اصلاح نمی‌کند و در نتیجه به‌صراحت تجاوز جنسی را مستثنی می‌کند. مجازات اجباری تجاوز جنسـی، اعدام اسـت که بازماندگان را از گزارش تجاوز بازمی‌دارد. درحالی‌که قانون مجازات‌های خشـونت فیزیکی را افزایش می‌دهـد، اما اگر مجرم شـوهر، پدر یا مادر قربانی باشـد، مجازات‌های جایگزین را نیز مجاز می‌داند. این قانون همچنین قوانینی را که خشونت علیه زنان را تأئید می‌کند، ازجمله آنهایی که احکام سبک‌تری دارند، لغو نمی‌کند. چنین احکامی باید شـدت جرم، مجازات‌های عادلانه، ایمنی قربانی و مشورت با گروه‌های حقوق زنان و بازماندگان خشونت خانگی را در مورد مجازات‌های مناسب و مؤثر در نظر بگیرد.

سر بریدن وحشتناک رومینا اشرفی ۱۴ساله توسط پدرش و چندین زن‌کشـی دیگر، این گفت‌وگو را در ایران زنده کرده اسـت که چگونه قانـون از زنان و دختران در برابر بدترین اشـکال خشـونت حمایت نمی‌کنـد و خشـونت خانوادگی را توجیه می‌کند. در ۲۸ آگوسـت، دادگاه بدوی رضا اشـرفی، پدر رومینا را به جرم قتل به ۹ سال زندان محکوم کرد. طبق قوانین ایران، قتل عمدی مجازات اعدام دارد مگر اینکه خانواده مقتول قاتل را ببخشند. اما این قانون مقرر می‌کند که اگر پدر یا پدربزرگ پدری فرزند یا نوه خود را بکشـد، مجازات او تا ۱۰ سال کاهش می‌یابد. طیبه سیاوشی نماینده پیشین در مجلس بازدهم در پاسخ به این سؤال که آیا این لایحه دچار تغییرات زیادی شده؟ به «شـرق» می‌گوید: «نه از نظر من. لایحه‌ای که مدنظر فعالان حقوق زن و امنیت زنان، وکلا و حتی کسـانی بود کـه از ابعاد فقهی آن در لشـعب متعددی دفاع کردند، بسـیار متفاوت بود. در واقع این آن لایحه اولیه‌ای نیسـت که مدنظر آنها بوده و برای تصویب آن تلاش کرده بودند. ولـی در عین حال ما به دلیل اینکه کفتیم همین لایحه تقلیل‌یافته می‌تواند آغازی بر تأمین امنیت زنان را به لحاظ قانونی باشد، با توجه به خلأهای زیادی که در این زمینه هسـت، تلاش‌مان بر این شد که همین لایحه تصویب شود. ما در جلسات متعددتلاش کردیم که هم نقاط قوتش را مطرح کنیم و هم به مشکلات و مسائل و نقاط ضعف یا حل اصلاحاتی که مدنظرمان بود بپردازیم. اصلاحات ماده به ماده و بند به بند ذیل همان پیشـنهادات به صورتی که بعدها در ارائه قوانین در مجلس به آن پرداخته شد.

به هر حال این لایحه ساختارها را تقویت کرده و روی مکانیسم‌های حمایتی مثل سازمان بهزیستی که تا الان هم وظیفه حفاظت از زنان را بر عهده داشته تأکید دارد. مسائل قانونی و حمایتی در بُعد دفاع از زنانی که در واقع دچار خشونت شده بودند، در آن لحاظ شده است.

در این لایحه تلاش شـده نقش بهزیستی تقویت شود و اهمیت آن را تشـریح کنند. در واقع به نوعی نوآوری در این لایحه محسـوب می‌شود. تقویت مکانیسم حقوقی زنان و خانواده قوه قضائیه در سطح استان‌هاست که خب قبل از آن خیلی به آن اشاره نشده؛ ولی با توجه به اینکه دفاتر امور زنان و خانواده قوه قضائیه در همه استان‌ها وجود دارد و نقش مهمی هم در تو سـعه و ارتقای حمایت قانونی زنان دارند، این مهم به نظر می‌رسد.

از طـرف دیگر تأکید بر اینکه همه دسـتگاه‌های دولتی موجود و مربوط با بحث پیشگیری و حمایت از زنان در مقابل آسیب خشونت را بر عهده دارند، مهم اسـت. و حتی مهم‌تر از آن اینکه به ساختارهای مدنی هم که در این زمینه مؤثر هستند، تأکید شده است؛ مثل کانون وکلا و کانون کارشناسـان. مورد دیگری که در این لایحه اهمیت دارد و به آن اشاره شده، تأکید بر حمایت از زنان در برابر رسوم و عرف‌های آسیب‌زاسـت که در هر حال سـنتی و قومی و قبیله‌ای محسـوب می‌شـود؛ مثل خون‌بس و ازدواج‌های اجبـاری. گرچه تبصره‌ای که دیل این ماده آمده، هنوز بحث کودک‌همسـری را کمرنگ‌تر نکرده و آن را به نوعی مستثنا کرده است.

بحث جرم‌انگاری کارکنان و عاملان شاغل در نهادها و دستگاه‌های حکومتی به منظور پیشـگیری از اعمال آسـیب بـه زنان نقطه قوت دیگری در این لایحه محسوب می‌شود. درواقع زنانی که در موقعیت شغلی مناسب قرار دارند، از آسیب‌های جنسیتی و موارد خشونت‌زا می‌شوند. مدنظر قرار داده شـده‌اند و برای کسانی که این اعمال را انجام بدهند، بازمی‌دارد. در واقع، قانون مجازات‌های خشـونت فیزیکی را افزایش می‌دهـد، اما اگر مجرم شـوهر، پدر یا مادر قربانی باشـد، مجازات‌های جایگزین را نیز مجاز می‌داند. این قانون همچنین قوانینی را که خشونت علیه زنان را تأئید می‌کند، ازجمله آنهایی که احکام سبک‌تری دارند، لغو نمی‌کند. چنین احکامی باید شـدت جرم، مجازات‌های عادلانه، ایمنی قربانی و مشورت با گروه‌های حقوق زنان و بازماندگان خشونت خانگی را در مورد مجازات‌های مناسب و مؤثر در نظر بگیرد.

سر بریدن وحشتناک رومینا اشرفی ۱۴ساله توسط پدرش و چندین زن‌کشـی دیگر، این گفت‌وگو را در ایران زنده کرده اسـت که چگونه قانـون از زنان و دختران در برابر بدترین اشـکال خشـونت حمایت نمی‌کنـد و خشـونت خانوادگی را توجیه می‌کند. در ۲۸ آگوسـت، دادگاه بدوی رضا اشـرفی، پدر رومینا را به جرم قتل به ۹ سال زندان محکوم کرد. طبق قوانین ایران، قتل عمدی مجازات اعدام دارد مگر اینکه خانواده مقتول قاتل را ببخشند. اما این قانون مقرر می‌کند که اگر پدر یا پدربزرگ پدری فرزند یا نوه خود را بکشـد، مجازات او تا ۱۰ سال کاهش می‌یابد. طیبه سیاوشی نماینده پیشین در مجلس بازدهم در پاسخ به این سؤال که آیا این لایحه دچار تغییرات زیادی شده؟ به «شـرق» می‌گوید: «نه از نظر من. لایحه‌ای که مدنظر فعالان حقوق زن و امنیت زنان، وکلا و حتی کسـانی بود کـه از ابعاد فقهی آن در لشـعب متعددی دفاع کردند، بسـیار متفاوت بود. در واقع این آن لایحه اولیه‌ای نیسـت که مدنظر آنها بوده و برای تصویب آن تلاش کرده بودند. ولـی در عین حال ما به دلیل اینکه کفتیم همین لایحه تقلیل‌یافته می‌تواند آغازی بر تأمین امنیت زنان را به لحاظ قانونی باشد، با توجه به خلأهای زیادی که در این زمینه هسـت، تلاش‌مان بر این شد که همین لایحه تصویب شود. ما در جلسات متعددتلاش کردیم که هم نقاط قوتش را مطرح کنیم و هم به مشکلات و مسائل و نقاط ضعف یا حل اصلاحاتی که مدنظرمان بود بپردازیم. اصلاحات ماده به ماده و بند به بند ذیل همان پیشـنهادات به صورتی که بعدها در ارائه قوانین در مجلس به آن پرداخته شد.

به هر حال این لایحه ساختارها را تقویت کرده و روی مکانیسم‌های حمایتی مثل سازمان بهزیستی که تا الان هم وظیفه حفاظت از زنان را بر عهده داشته تأکید دارد. مسائل قانونی و حمایتی در بُعد دفاع از زنانی که در واقع دچار خشونت شده بودند، در آن لحاظ شده است.

در این لایحه تلاش شـده نقش بهزیستی تقویت شود و اهمیت آن را تشـریح کنند. در واقع به نوعی نوآوری در این لایحه محسـوب می‌شـود. تقویت مکانیسم حقوقی زنان و خانواده قوه قضائیه در سطح استان‌هاست که خب قبل از آن خیلی به آن اشاره نشده؛ ولی با توجه به اینکه دفاتر امور زنان و خانواده قوه قضائیه در همه استان‌ها وجود دارد و نقش مهمی هم در تو سـعه و ارتقای حمایت قانونی زنان دارند، این مهم به نظر می‌رسد.

از طـرف دیگر تأکید بر اینکه همه دسـتگاه‌های دولتی موجود و مربوط با بحث پیشگیری و حمایت از زنان در مقابل آسیب خشونت را بر عهده دارند، مهم اسـت. و حتی مهم‌تر از آن اینکه به ساختارهای مدنی هم که در این زمینه مؤثر هستند، تأکید شده است؛ مثل کانون وکلا و کانون کارشناسـان. مورد دیگری که در این لایحه اهمیت دارد و به آن اشاره شده، تأکید بر حمایت از زنان در برابر رسوم و عرف‌های آسیب‌زاسـت که در هر حال سـنتی و قومی و قبیله‌ای محسـوب می‌شـود؛ مثل خون‌بس و ازدواج‌های اجبـاری. گرچه تبصره‌ای که دیل این ماده آمده، هنوز بحث کودک‌همسـری را کمرنگ‌تر نکرده و آن را به نوعی مستثنا کرده است.

بحث جرم‌انگاری کارکنان و عاملان شاغل در نهادها و دستگاه‌های حکومتی به منظور پیشـگیری از اعمال آسـیب بـه زنان نقطه قوت دیگری در این لایحه محسوب می‌شود. درواقع زنانی که در موقعیت شغلی مناسب قرار دارند، از آسیب‌های جنسیتی و موارد خشونت‌زا می‌شوند. مدنظر قرار داده شـده‌اند و برای کسانی که این اعمال را انجام بدهند،

عکس: سعید عسگری/ کاربر مهر

خبر

توضیح مهم یک اقتصاددان درباره تحریف داده‌های اقتصادی

این روزها بحث داده‌های اقتصادی دوباره گرم شده است. بعد از مناظره نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری که نامزدهای اصولگرا سعی کردند کارنامه دولت سـیزدهم را در حوزه اقتصادی موفق نشـان دهند، از سوی دیگر بسیاری از اکاهان اقتصادی با انتقاد از مواجهه اصولگرایان با وضعیت اقتصادی کشـور نمای دیگـری از داده‌های اقتصادی را نشـان دادند کـه قطعا با ادعای اصولگرایـان تفاوت زیـادی دارد. در همین رابطه عضو هیئت علمی دانشـگاه تربیت مدرس گفت: متاسفانه در ایران برخی دولت‌ها برای موفق نشـان‌دادن خـود، واقعیت‌ها را کتمان می‌کننـد اما درک مردم از وضعیت اقتصاد خیلی چیزها را بیان می‌کند.

مرتضی عزتی، کارشـناس اقتصادی به داغ‌شدن دوباره بحث بر سر نقدینگی و اعلام اینکه دولت سـیزدهم در مهار نقدینگی طی سه سال اخیر توفیق داشته است، اشاره کرد و گفت: بر پایه آخرین آمارهای موجود، رشد سالانه نقدینگی در سـال ۱۴۰۲ حدود ۲۲ درصد بوده است. ادعای دولتی‌ها درخصوص اینکه نرخ رشـد نقدینگی در دولت سـیزدهم به پایین‌ترین نرخ در ۶۰ سال گذشته رسیده است، واقعیت ندارد.

او با اشـاره به آمارهای مسـتند موجود ادامه داد: آمارهای رسـمی نشـان می‌دهد در ۶۰ سـال گذشته بیش از ۱۵ سال رشـد نقدینگی کمتر از ۲۰ درصد بوده اسـت. همچنین در چندین سـال کمتر از ۱۰ درصد و حتی در سـال ۱۳۴۹ منفـی ۱۱ درصد بوده اسـت. پس با هر معیاری که در نظر بگیریم این ادعا که رشد نقدینگی در دولت سیزدهم در ۶۰ سال گذشته کمترین بوده، غلط است.

عزتی در توضیح این مطلب افزود: رشـد نقدینگی در شـش سـال از هشت سال دولت مهندس موسوی زیر ۲۰ درصد بوده است. پس از آن نیز در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ کمتر از ۲۰ درصد بوده ولی از سـال ۱۳۸۸ زیر ۲۰ درصد نیامده است.

او تأکید کرد: یک نکته مهم اینکه ماهیت نقدینگی به‌گونه‌ای اسـت که رشد ماهانه آن چندان معنادار نیست؛ زیرا ممکن است یک ماه کاسته شود و ماه بعد افزایش یابد یا برعکس. رشـد نقدینگی در ایران در طول دوره‌ای که آمار وجود دارد، حتی در سـال‌های مختلف در برخی ماه‌ها بسیار کمتر از رشد سالانه و در برخی ماه‌ها بیشـتر از آن و حتی در برخی ماه‌ها منفی بوده اسـت. آنچه مهم اسـت این اسـت که رشد سـالانه آن معیار ارائه آمار اسـت. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، حتی باید کفت اثر رشد بلندمدت آن معنادار اسـت.

عزتی اضافه کرد: نکته دوم اینکه نقدینگی یک ابزار سیاسـت‌گذاری اسـت. کاهش یا افزایش رشـد آن به خودی خود هیچ ارزش مسـتقلی ندارد. به طور معمول در همه کشـورها نرخ رشـد آن مثبت اسـت. به تناسب هدف‌هایی که برای افتصاد وجود دارد کاهی باید بیشـتر افزایش یابد و کاهی کمتر و در موارد اسـتثنا نیز منفی شود؛ زیرا افزایش آن می‌تواند به رشـد اقتصادی کمک کند و کاهش آن می‌تواند تورم را کاهش دهد. بر این پایه رشـد نقدینگی اساسـا برای افتصاد مثبت اسـت. ولی در سیاست‌گذاری، مهم سیاست‌های دیگری است که می‌تواند مکمل آن باشـد تا رشد اقتصادی بینجامد و همزمان تورم را افزایش ندهد.

عضـو هیئت علمی دانشـگاه تربیت مـدرس به خبرآنلایـن می‌گوید: نکته سـوم اینکه آخرین داده‌های اقتصادی کاهش یافت. به معنای آن اسـت که مجموع سیاسـت‌های اقتصادی (و حتی غیراقتصادی) برای افتصاد مفید نبوده اسـت. حال بگردیم و بگوییم ما ندیدیمی را کمتر یا بیشـتر رشـد دادیم. هیچ ارزشـی ندارد. زمانی این اتفاق می‌افتد که بتوانیم دیدگاه دیگری ارزشمند ایجاد کنیم که نتیجه ارزشمند بدهد. با موفقیت‌سازی کاذب، جز بدخلقی مردم چیزی نخواهیم داشت.

او در پایان تاکید کرد: نکته مهم اینکه من با نظرها به وزیر اقتصاد و رفقای بانک مرکزی دولت سیزدهم کفته که این سیاست‌ها، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و باید سیاسـت‌ها را تغییر دهید. ولی ظاهرا کوچ‌نشینی کنار برای توسعه‌های علمی نداشـتند و نتیجه آن شد که امروز می‌بینیم رشد اقتصادی که مهمترین شاخص بهبود افتصاد اسـت کاهش یافته و دولت در پایان کار، خود نتواز است این‌گونه به دنبال ساختن موفقیت اقتصادی کاذب دست و پا بزند.

رئیس‌جمهور منتخب و وضعیت معیشتی کارگران

یک فعال کارگری گفت: درخواست جامعه کارگری از رئیس‌جمهور آینده این اسـت که مباحثی ازجمله امنیت شـغلی جامعه کارگری، معیشت کارگران و همچنین موضوع مسکن را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهد.

رسول کرنیخ گفت: امروز که در آسـتانه انتخابات ریاست‌جمهوری قرار داریم، انتظار جامعه کارگری از رئیس‌جمهور آینده این اسـت که به خواسـته کارگران درخصوص تأمین امنیت شـغلی و معیشـتی و همچنین تأمین مسـکن کارگری جامعه عمل بیوشاند.

او افـزود: به عنوان نمونه طی سـال‌های گذشـته و جـاری